تحقیقات قرآنی و حدیثی / سال هشتم / شماره ۱۲ / ۲۳-۴۰

بررسی مستندات قرآنی مرتبط با ساحت‌های تربیت

سیده زهرا عظیمی[۱]

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی مستندات قرآنی مرتبط با ساحت‌های تربیت در نظام تربیتی اسلام و با تأکید بر اینکه هدف عالی تربیت در *قرآن* «قرب به خدا» است و تمامی ابعاد و ساحت‌های تربیت باید در راستای این هدف باشند، انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با مرور نظام‌مند منابع معتبر علمی صورت گرفته است. بدین منظور، آیات *قرآن کریم* به‌عنوان منبع اصلی مورد بررسی قرار گرفت و از منابع معتبر علمی مکتوب در حوزه تربیت اسلامی نیز استفاده شد.

یافته‌ها و نتایج: بررسی‌های انجام شده نشان داد که *قرآن کریم* در تربیت انسان، به تمامی ساحت‌های تربیت در ابعاد بینش، گرایش و رفتار توجه دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌های قرآنی در ساحت‌های تربیت عبارت‌اند از: محبت شدید نسبت به خدا و انس انسان با او در عبادات و آرامش در پرتو یاد خدا، انجام عبادات و فضائل و ترک رذائل، تحسین صاحبان عقل، امر به وحدت اجتماعی و عدم تفرق و حس تعهد در مشارکت در سرنوشت جمعی، نگرش ابزاری به مال دنیا، پرهیز از اندیشه فساد بر روی زمین، نهی از هرگونه بی‌توجهی به حفظ جان، گرایش به عفت‌ورزی در ارتباط جنسی، و تجویز زینت‌های حلالی که از جانب خدا برای بندگان قرار داده شده است.

واژگان کلیدی: ساحت‌های تربیت در *قرآن*، مستندات قرآنی تربیت، ابعاد تربیت در *قرآن*، تربیت تمام ساحتی در *قرآن*.

---

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
Email: Seyyedeh14@gmail.com ORCid: 0009- 0006- 5040- 0645

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت، محوری‌ترین بخش آموزه‌های ادیان آسمانی به‌ویژه دین اسلام است که در هدایت انسان‌ها، جایگاه ویژه‌ای دارد. تربیت، فرایندی چند بعدی است که ابعاد مختلفی از رشد و تکامل انسان را در برمی‌گیرد. این ابعاد، با توجه به مکتب فکری و مبانی تعلیم‌وتربیت در هر جامعه، متفاوت است. با توجه به ابعاد مختلف نیازهای انسان و انواع ارتباطات او، بحث از «ساحت‌های تعلیم و تربیت» اجتناب ناپذیر است. کارشناسان تعلیم و تربیت، توجه به مؤلفه‌ها و فلسفه تعلیم و تربیت، متناسب با مبانی حکمرانی و سیاسی حاکم بر جامعه را، لازم دانسته‌اند. ازاین‌رو، بررسی ساحت‌های تربیت در نظام تربیتی، الگویی مناسب برای تدوین هدف در هر یک از ابعاد مختلف تربیت، به‌شمار می‌رود. در نظام تربیتی اسلام، هدف عالی تربیت، «قرب به خدا» است؛ «ساحت‌ها» یا «ابعاد تربیت»، اهداف جزئی تربیت است. بنابراین، ساحت‌های مختلف تربیت، همگی باید در راستای تقرب به خداوند باشند و با نگاه جامع فراساحتی معنا پیدا کنند. ساحت‌بندی تربیت، به‌دلیل قلمرو گسترده استعدادهای متربی و نیاز به استفاده از روش‌های متفاوت در پرورش هر یک از استعدادهای او، ضروری است. تعلیم‌وتربیت که عهده‌دار شکوفا کردن استعدادها و پرورش بینش‌ها و مهارت‌ها، توانایی‌ها، رفتارها و صفات مطلوب در متربی است، قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد که بررسی همه آنها در یک زمان ممکن نیست. از سوی دیگر، پرورش همه آنها با یک روش هم ممکن نیست و نیازمند کاربرد انواع متفاوتی از روش‌هاست. به همین دلیل ساحت‌بندی تعلیم‌وتربیت ضرورت دارد. (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰)

از جمله اموری که در تعلیم و تربیت، باید مشخص شود، حوزه‌های مختلفی است که تعلیم‌وتربیت در آن حوزه‌ها، صورت می‌گیرد؛ یعنی موضوعات استعدادها و زمینه‌هایی که برای تعلیم‌وتربیت باید ایجاد، شکوفا، اصلاح، تعدیل و تقویت شوند. بنابراین، می‌توان تربیت جنسی را از موضوعاتی دانست که باید در نظام تربیتی ایجاد شود، تربیت سیاسی را از موضوعاتی دانست که باید شکوفا شود، تربیت جسمانی را از موضوعاتی دانست که باید اصلاح شود، تربیت عاطفی از موضوعاتی است که باید تعدیل شود و تربیت اعتقادی از موضوعاتی است که باید تقویت شود.

برخی آثار پژوهشی مرتبط با پژوهش حاضر عبارتند از: کتاب «*مبانی تربیت از دیدگاه قرآن*» (بهشتی، ۱۴۰۳) که در آن مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تربیت در *قرآن کریم* بررسی شده است. همچنین در کتاب *ساحت‌های تربیت* (عالم‌زاده نوری، ۱۴۰۱) بعد از برشمردن انواع طبقه‌بندی در ساحت‌های تربیت، به ارزش و رتبه ساحت‌ها در یک نظام متوازن، اشاره شده است.

در مقاله «بررسی ساحت‌های تربیتی در عرصه تعلیم‌وتربیت اسلامی» (میلاسی، ۱۴۰۳)، تربیت تمام‌ساحتی و انواع آن ذکر شده و در پایان، اهداف هر ساحت از تعلیم‌وتربیت بررسی گردیده است. در این پژوهش‌ها، مستندات قرآنی مرتبط با ساحت‌های تربیت، بررسی نشده است. در پژوهش حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی بعد از بازشناسی مفاهیم کلی مربوط به ساحت‌های تربیت، مستندات قرآنی مربوط به ساحت‌های تربیت، تبیین شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲- ۱. مفهوم «تربیت»

«تربیت»، در لغت به‌معنای حضانت (یعنی، در دامان خود پروردن) (فراهیدی،۱۴۱۰هـ‌ق، ۲۵۷/۸)، اصلاح و بر عهده گرفتن کاری و همراهی با آن (ابن‌فارس، ۱۳۶۳، ۴۸۳/۲)، آمده است. این واژه در اصطلاح، عبارتند از: «فرایند یاری‌رسانی به یک انسان برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به‌منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۵، ۱۴۰/۱). در تعریف دیگر، «تربیت»، عبارتند از: فعالیتی منظم و مستمر، برای کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به‌طورکلی پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت متربی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۴). بنابراین تربیت، «فرایند اصلاح یک انسان در ابعاد و ساحت‌های مختلف» است.

۲– ۲. مفهوم «ساحت»

«ساحت»، در لغت به‌معنای میدان، عرصه، محوطه، فضایی بین خانه‌های یک محله آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۷۲/۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳۲۰۵/۹) در علوم تربیتی، حوزه‌های مختلف تربیت، «ساحت» نامگذاری شده است؛ زیرا نشان‌دهنده عرصه‌های مختلف استعدادها و توانایی‌های انسان است. این ساحت‌ها باید به ویژگی‌ها و استعدادهای مشترک انسان‌ها، به آن دلی که انسان هستند، ناظر باشد. بنابراین ساحت‌های تربیت، ابعاد متعدد وجود انسان است که اعتقاد، علاقه و کردار انسان را در برمی‌گیرد و نیاز به پرورش دارد.

۳. ملاک‌های ساحت‌بندی تربیت

تعلیم و تربیتی که آموزش و پرورش بینش‌ها، گرایش‌ها، صفات و رفتارهای متربی را بر عهده دارد، قلمرو بسیار گسترده‌ای دارد. ازاین‌رو، هنگامی که از تعلیم‌وتربیت انسان، سخنی به میان می‌آید یکی از نخستین پرسش‌های قابل طرح آن است که مقصود، آموزش یا پرورش کدام‌یک از ابعاد وجودی انسان است؟ انسان، افزون بر بدنی که نیاز به پرورش دارد، دارای بعدی روحی یا روانی است که باید به تعلیم‌وتربیت آن توجه شود. همچنین با توجه به رابطه انسان با خدا، طبیعت و انسان‌های دیگر، می‌توان حوزه‌های گوناگونی را برای تعلیم‌وتربیت شناسایی کرد. در نظام تربیتی اسلام، با تکیه بر مبانی پذیرفته شده در این مکتب، به‌ویژه مبانی انسان‌شناختی، ساحت‌ها یا حوزه‌های اصلی تعلیم‌وتربیت مشخص و برای هر یک از این ساحت‌ها، برنامه مناسب تربیتی طراحی شده است. تعیین بخشی از اهداف تعلیم‌وتربیت اسلامی در گرو دانستن ساحت‌های آن است؛ زیرا ساحت‌های گوناگون تعلیم و تربیت، علاوه بر هدف نهایی که در آن مشترک‌اند، اهدافی مخصوص به خود نیز دارند. همچنین، هر یک از ساحت‌های تعلیم و تربیت، اصول و روش‌های ویژه‌ایی را می‌طلبد، چنانکه عوامل و موانع ساحت‌های گوناگون نیز یکسان نیستند. (مصباح یزدی، ۱۴۰۱)

ساحت‌بندی تعلیم و تربیت، باید دامنه‌ای محدود از استعدادها و بینش‌ها و دیگر اموری را که باید پرورش داده شود، مشخص کند. گستردگی زیاد دامنه ساحت، با هدف نوعی از ساحت‌مندی

که تعلیم‌وتربیت را ممکن و آسان نماید، منافات دارد. بنابراین، «تقسیم تعلیم و تربیت، به ساحت‌های مادی و معنوی، یا دنیوی و اخروی، یا فردی و اجتماعی، صحیح نیست. ساحت‌بندی باید، ناظر به استعدادها و موضوعاتی که قابل پرورش و شکوفایی است، باشد. موضوعاتی که امکان پرورش ندارند، با هدف ساحت‌بندی که تسهیل تعلیم‌وتربیت است و ماهیت تعلیم‌وتربیت که شکوفا کردن و پرورش دادن است، سازگار نیست». (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰)

۴. انواع ساحت‌بندی تربیت

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای تعیین ساحت‌ها و ابعاد تعلیم‌وتربیت براساس موضوع و محتوای تربیت، مطرح شده است. برخی تقسیم‌بندی‌ها، ناظر به ساحت‌ها و ابعاد مختلف وجودی انسان است و برخی براساس انواع روابط انسان است. در تقسیم‌بندی براساس انواع روابط انسان، روابط انسان به چهار دسته تقسیم می‌شود: رابطه انسان با خود، رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت. سپس اهداف تعلیم‌وتربیت برای هر یک از این روابط بیان می‌شود. «برخی تقسیم‌بندی ساحت‌های تربیت، براساس ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان را به‌دلیل آنکه در تربیت، پرورش استعدادها و توانایی‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها و صفات متربی محوریت دارد، کارآمدتر و مؤثرتر می‌دانند» (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰). تقسیم‌بندی ساحت‌های تربیت، براساس ابعاد وجودی انسان، مبتنی بر انواع نیازمندی‌های شناختی، گرایشی، مهارتی و استعدادهای مشترک میان انسان‌هاست.

۵. ابعاد وجودی انسان

جسم و روح انسان، دارای توانایی‌ها و استعدادهای پیچیده و گسترده‌ای است که وصول به اهداف کلی حیات و تکامل انسان به آن توانایی‌ها و شکوفایی استعدادهای او، بستگی دارد. در مبانی انسان‌شناختی تربیت، انسان دارای سه بعد «بینش»، «گرایش» و «رفتار» است. انسان از بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های مختلف برخوردار است و تربیت، فرایندی است برای ایجاد، شکوفایی، تصحیح، تقویت، تعدیل و هدایت بینش‌ها، گرایش‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسان، برای رسیدن به کمال مطلوب.

در بخش فلسفه تربیت از *سند ملی تحول آموزش و پرورش*، به شش ساحت تربیتی، اشاره شده است: «ساحت تربیت دینی (اعتقادی عبادی و اخلاقی)، ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت هنری و زیباشناختی، ساحت تربیت علمی و فناورانه، و ساحت تربیت زیستی و بدنی». (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) برای حصول تربیت دینی، مربی باید بتواند در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری متربی، تغییر ایجاد کند (موسوی و دیگران، ۱۴۰۰)، به‌گونه‌ای که تمام حرکات و سکنات متربی، صبغه توحیدی داشته باشد. برخی دیگر از کارشناسان تعلیم و تربیت، هشت ساحت تربیتی را برشمرده اند که عبارتند از: «تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت هنری، تربیت زیست محیطی، تربیت علمی، تربیت‌بدنی» (داودی، کارآمد، ۱۴۰۰،ص۱۵۵). این ساحت‌ها، ناظر به ابعاد وجودی انسان است.

۶. مستندات قرآنی مرتبط با ساحت‌های تربیت

قرآن کریم به عنوان برنامه هدایت بشر، نظام تربیتی جامع و همه‌جانبه‌ای ارائه می‌دهد که متناسب با فطرت چندبعدی انسان طراحی شده است. این کتاب آسمانی، با درک پیچیدگی‌های وجود آدمی، همه ساحت‌های حیات انسانی از نیازهای مادی و جسمانی تا رشد عقلانی، پرورش عواطف، تعالی اخلاقی و کمال روحانی را پوشش می‌دهد. در دیدگاه *قرآن*، انسان موجودی تک‌بعدی نیست، بلکه تربیت صحیح او مستلزم توجه همزمان به ابعاد وجودی انسان و ایجاد توازن میان آنهاست. این رویکرد یکپارچه، *قرآن* را به نقشه‌راهی بی‌بدیل تبدیل می‌کند که پاسخگوی تمام نیازهای تربیتی بشر در مسیر رسیدن به زندگی متعادل و قرب الهی است.

قرآن، بر وجوب مسئولیت تربیتی خانواده، تأکید صریح دارد: ﴿یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ نَاراً...﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتش حفظ کنید...» (تحریم: ۶). خداوند، هدف خلقت انسان را معرفت و عبودیت او نسبت به خودش می‌داند: ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶). بنابراین، هدف از تربیت انسان با توجه به هدف خلقت او، پرورش ابعاد مختلف شخصیت انسان، برای معرفت و بندگی خداست. ازاین‌رو، در تبیین

مستندات و مؤلفه‌های قرآنی مرتبط با ساحت‌های تربیت، باید، ابعاد و ساحت‌های وجودی انسان را ملاک قرار داد. براین‌اساس، ساحت‌های تربیتی، عبارتند از: تربیت اعتقادی، تربیت عبادی، تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی، تربیت جسمی، تربیت جنسی، تربیت هنری.

بدیهی است که با توجه هدف خلقت، ارزش انسان به ساحت اعتقادی، و عبادی اوست و تربیت در سایر ساحت‌ها، در صورت توجه ننمودن به تربیت انسان در این ساحت‌ها، پوچ و بی‌ارزش خواهد بود. روح معنوی و صبغه الهی انسان، مایه احیا و ابقای سایر کمالات انسان است. بنابراین، در میان ساحت‌های تربیتی، تربیت اعتقادی، و عبادی و ارتقای باور قلبی به خدا و بندگی خدا، زیربنای همه ساحت‌هاست و بر همه ساحت‌های تربیت، حاکم و مقدم می‌باشد و شرط ارزشمندی سایر ساحت‌ها به‌شمار می‌رود. اولویت و تقدم تربیی این ساحت‌ها، به‌معنای تقدم زمانی آنها نیست؛ جسم انسان، ابزار رشد و تربیت در همه ساحت‌هاست. ازاین‌رو، در مراحل تربیت، تربیت جسمانی بر سایر ساحت‌های تربیت، مقدم است. مقدم داشتن بعد جسمانی، به‌دلیل تقدم ارزشی و رتبی آن نیست، بلکه به‌دلیل پیمایش روند طبیعی تربیت و کمال انسان است که با تربیت و قوت جسمانی بعد از تولد آغاز می‌شود و سپس رشد آن، همزمان با سایر ساحت‌ها در مراحل بعدی تربیت، ادامه می‌یابد.

براساس آیات *قرآن*، در نظام تربیتی اسلام خداوند، خالق تمام هستی (ر.ک: زمر: ۶۲) و انسان (ر.ک: علق: ۲) است. انسان در رابطه با خود، با تزکیه نفس و پالایش روح خود از رذایل اخلاقی (ر.ک: اعلی: ۱۴) با حب خدا (ر.ک: بقره: ۱۶۵)، گرایشات خداگونه می‌یابد و رفتارهایش با حرکت به سوی اطاعت خدا (ر.ک: انعام: ۱۰۲)، تقوا (ر.ک: حجرات: ۱۳)، عدالت و صداقت (ر.ک: نساء: ۵۸)، توحیدی می‌شود. این نظام تربیتی، با تأکید بر قسط و انصاف (ر.ک: حدید: ۲۵)، روابط اجتماعی را بر پایه اخلاق و مسئولیت‌پذیری (ر.ک: رعد: ۱۱)، تنظیم می‌کند و بر پرهیز از اسراف (ر.ک: اعراف: ۳۱) و تخریب محیط زیست (ر.ک: هود: ۶۱)، تأکید دارد. بدین ترتیب، چگونگی رابطه انسان با خود، خدا و جهان هستی، شناخت‌ها، تمایلات و کنش‌های انسان

را شکل می‌دهد. درحالی‌که محوری‌ترین ارتباط انسانی، رابطه با خدا براساس فطرت خداجوی انسان، و نخستین وظیفه انسان، شناخت خالق از طریق استدلال عقلی و تفکر در آیات الهی است.

۶– ۱. تربیت اعتقادی

تربیت اعتقادی، عبارتند از: «فرآیند آموزش اعتقادات به متربی و مجموعه اقدامات برای شکل‌دهی به نظام باورها، اقناع فکری و پذیرش قلبی و التزامی درونی از سوی مربی، شامل مفاهیمی همچون آموزش عقاید و باورمندسازی و شکل‌دهی بینش». (اعرافی، ۱۳۹۳) این ساحت تربیتی، فرآیندی نظام‌مند برای انتقال آموزه‌های اعتقادی به متربی و شکل‌دهی یک باور منسجم و پایدار در فرد است و با مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند از سوی مربی، بر اقناع فکری و عقلانی متربی برای پذیرش قلبی مفاهیم اعتقادی مانند خدا، پیامبر و معاد، تأکید دارد.

دیدگاه *قرآن* در دعوت به توحید بر مبنای فطرت است و اصلی‌ترین طریق شناخت خدا رجوع به فطرت پاک انسانی می‌باشد: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لاَ تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لاَ یَعْلَمُونَ﴾؛ «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم: ۳۰). آیات متعددی، به تربیت اعتقادی و توحیدی در سه بعد بینش (شناخت توحیدی)، گرایش (محبت و ایمان قلبی به خدا) و رفتار (عمل صالح براساس توحید) اشاره دارند. تربیت اعتقادی باید از علم به توحید آغاز شود. در بعد بینش و شناخت توحیدی، یگانگی خداوند درجایگاه تنها معبود، در آیه ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّه...﴾؛ «پس بدان که هیچ معبودی، جز خدا نیست...» (محمد: ۱۹)، مورد تأکید قرار گرفته است. در بعد گرایش و محبت و ایمان قلبی به خداوند، براساس آیه ﴿...وَالَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ...﴾؛ «... و کسانی که ایمان آورده‌اند، محبتشان به خدا شدیدتر است...» (بقره: ۱۶۵)، عشق و گرایش شدید نسبت به خدا، به عنوان ویژگی مؤمنین معرفی شده است و بر لزوم تقویت تمایل و انس متربی به خدا در تربیت اعتقادی، دلالت دارد.

ایمان واقعی، فقط شناخت خدا نیست، بلکه همراه با حب الهی است؛ در بعد رفتار و انجـام عمـل صالح براساس توحید، آیه ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَـالَمِينَ﴾؛ «بگو! همانا نماز من، عبادت من، زندگی‌ام و مرگم، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است» (انعـام: ۱۶۲)، لزوم تجلی توحید در رفتار را نشان می‌دهد؛ جاییکه تمام اعمال، حتی زندگی و مرگ، فقط بـرای خداست.

۶– ۲. تربیت عبادی

تربیت عبادی عبارتند از: «آموزش عبادت‌ها و تکالیف عبادی که قصد قربت و انجام فرمان الهی در آنها شرط است و کیفیت این عبادات به متربی و تلاش برای ایجاد روحیه تعبـد و پرسـتش و نیایش در متربی، تا به انجام مناسک و تکالیف عبادی متعهد شود». (اعرافی، ۱۳۹۳) هـدف ایـن ساحت، آموزش اعمال و تکالیف عبادی مشخص مانند نماز و روزه اسـت و بـا تأکیـد بـر «قصـد قربت» در انجام فرمان الهی، به دنبال ایجاد روحیه تعبد و بندگی در متربـی و رابطـه قلبـی بـین بنده و معبود است و او را به انجام مناسک و تکالیف عبادی متعهد و ملتزم می‌کند. ارتقای ارتباط با خدا با اطاعت و بندگی خدا با انجـام احکـام شـرعی و مراقبـت بـر اذکـار، ادعیـه، مناسـک و مستحبات، حاصل می‌شود.

قرآن کریم در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَـبْلِكُمْ لَعَلَّكُـمْ تَتَّقُـونَ﴾؛ «ای مردم، پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌انـد، آفریـده اسـت، پرسـتش کنید، باشد که به تقوا گرایید» (بقره: ۲۱)، بر توحید در عبودیت، تأکیـد نمـوده اسـت. در تربیـت عبادی، آیه ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ «و من جن و انـس را نیافریـدم جـز بـرای اینکه مرا بپرستند» (ذاریات: ۵۶)، به بینش و شناخت انسان دربـاره هـدف اصـلی خلقـت یعنـی، عبادت پروردگار، اشاره دارد و پایه تربیت عبادی را براساس آگاهی از فلسفه وجودی انسـان قـرار می‌دهد. *قرآن*، در بعد گرایش و انس قلبی انسان به یادخدا در عبادات، به آرامش انسان، در پرتـو یاد خدا اشاره کرده است: ﴿الَّذين آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّـهِ تَطْمَـئِنُّ الْقُلُـوبُ...﴾؛

«کسانی که ایمان آورده‌اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش کـه بـا یـاد خـدا دلهـا آرامش می‌یابد...» (رعد: ۲۸). در بعد رفتار عبادی، آیه ﴿وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾؛ «نماز را برپا دارید، زکات را بپردازید و با رکوع‌کنندگان، رکوع کنیـد» (بقـره: ۴۳)، بـه رفتار عملی در تربیت عبادی و انجام عباداتی همچون نماز و زکات، به عنـوان مصـادیق عبـادت عملی، تأکید دارد.

۶- ۳. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی عبارتنداز: «فرایند یاری‌رسانی به متربی برای شکوفایی و تقویت صـفات و آداب و رفتارهای پسندیده عرفی یا شرعی و یا اصلاح و از بین بردن صفات و رفتارهای ناپسند عرفی یـا شرعی». (بناری، ۱۳۷۹) هدف این ساحت تربیتـی، از بـین بـردن رذائـل و رفتارهـای ناپسـند و شکوفایی و تقویت صفات و فضایل اخلاقی و رفتارهای پسـندیده در متربـی اسـت، ایـن فرآینـد مستلزم همراهی و هدایت مستمر مربی، برای ایجاد تغییر پایدار در متربی است.

در تربیت اخلاقی، آیات ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا؛ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾؛ «و سـوگند! بـه نفـس آدمی و آن کس که آن را منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیر) را به او الهام کرده است» (شمس: ۷- ۸)، به شناخت فطری خوبی و بدی در انسان اشاره دارد و بینش اخلاقی را براسـاس الهام الهی دانسته است. آیات ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى؛ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى؛ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾؛ امـا آن‌کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش‌گیرد و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند، ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم» (لیل: ۵- ۷)، گرایش قلبی انسان به فضایل و تقوی را نشـان می‌دهند و وعده آسان‌گیری برای او را تأکید می‌کنند.

قرآن در بعد رفتاری تربیت اخلاقی، انجام فضایلی همچون عدالت و احسـان و بخشـش بـه خویشاوندان را از اوامر الهی دانسته و از رذائلی همچون فحشا و زشتی و ستم، نهی کـرده اسـت: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛ «خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد، و از فحشاء و منکـر و

ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید» (نحل: ۹۰).

۶– ۴. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی عبارتند از: «فعالیت منظم و هدفمند بین دو قطب سیال کنش‌گران و متربیان برای ایجاد فرصت‌ها و زدودن موانع رشد قوه عقلانی متربی و پرورش آن در ابعاد نظری و عملی و... به‌منظور جهت‌دهی آن در راستای کشف حقیقت، تشخیص صلاح و فساد، ابتکار و خلاقیت برای رسیدن به کمال و سعادت یعنی، قرب الهی». (افتخاری، ۱۴۰۱) عقل، ابزاری برای رسیدن به کمال نهایی و قرب الهی است. این ساحت تربیتی، فعالیت و تعاملی هدفمند بین مربی و متربی برای پرورش قوه عقل است. هدف آن، جهت‌دهی به عقل برای کشف حقیقت و تشخیص صلاح از فساد است.

قرآن در بعد بینشی تربیت عقلانی، یکی از اهداف بعثت فرستاده خدا را، تعلیم حکمت که به‌معنی رسیدن به حقیقت با عقل و علم است (راغب، ۱۴۱۲هـق)، معرفی کرده است: ﴿هُو الَّذِي بَعَث فِي الْأُمِيينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ و يُزَكيهِمْ وَ يُعَلِمُهُم الْكِتاب و الْحِكْمَة...﴾؛ «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد...» (جمعه: ۲).

در بعد گرایش، آیه ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «بگو! آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها صاحبان عقل متذکر می‌شوند» (زمر: ۹)، به درک و تشخیص و توجه صاحبان عقل در فهم بهتر مسائل، اشاره دارد و این ویژگی ایشان را تأیید و تحسین می‌کند. در بعد رفتار و عمل براساس عقل، آیه ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛ «کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و آنها خردمندانند» (زمر: ۱۸)، رفتار عقلانی صاحبان عقل را تحسین می‌کند که پس

از شنیدن و تحلیل یک سخن، بهترین راه را انتخاب می‌کنند و این رفتار آنان را، نشانه هدایت آنها از جانب خدا، می‌داند.

۶– ۵. تربیت جسمانی

تربیت جسمانی، به‌معنای «فراهم‌کردن زمینه‌های رشد جسمانی و تأمین نیازهای طبیعی و مادی متربی» است. (اعرافی، ۱۳۹۳) محور اصلی این ساحت، توجه به رشد و سلامت جسمانی و بدنی متربی است. تربیت جسمانی، بستر مناسب برای اقدامات تربیتی در سایر ساحت‌های تربیتی فراهم می‌کند. ازاین‌رو، به‌مثابه اساس و پایه تربیت در نظر گرفته می‌شود. در تربیت جسمانی، خداوند در آیات *قرآن* به سلامتی جسم و تندرستی بدن توجه دارد و انجام عباداتی همچون روزه را مشروط به سلامتی بدن کرده است: ﴿... وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...﴾؛ «و آن‌کس که بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد» (بقره: ۱۸۵). در بعد گرایش نیز از هرگونه بی‌توجهی به حفظ جان و به خطر افکندن جان، نهی کرده است: ﴿... وَلاَ تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...﴾ (بقره: ۱۹۵). همچنین در بعد رفتاری و سبک تغذیه، از اسراف و زیاده‌روی در خوردن نهی نموده است: ﴿...وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ «...و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (اعراف: ۳۱).

۶– ۶. تربیت جنسی

تربیت جنسی عبارتند از: «فرایند ایجاد تغییر در حوزه استعدادهای جنسی کودک، نوجوان و جوان، از سوی مربی، با هدف شکل‌گیری هویت جنسی مطلوب و رعایت مسائل مربوط به آن و از سوی دیگر، جهت‌گیری مناسب غریزه جنسی و جلوگیری از انحراف‌های جنسی». (اعرافی، ۱۳۹۵، ۳۱۷/۲۵) این ساحت تربیتی، یک فرآیند آموزشی و هدایتی در غرایز جنسی است. شکل‌گیری هویت جنسی سالم در متربی و جهت‌دهی مناسب به غریزه جنسی و جلوگیری از انحرافات، اهداف این ساحت تربیتی است. در این ساحت تربیتی، *قرآن کریم* ویژگی بینشی

مؤمنین را مبتنی بر حیا، عفت، پاکدامنی و اکتفا به همسر خود در ارتباط جنسی می‌داند و بی‌عفتی را تعدی و تجاوز برمی‌شمارد: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ؛ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾؛ «و آنها (مؤمنین) که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند؛ و هر کس غیر این طریق را طلب کند، تجاوزگر است» (مؤمنون: ۵– ۷). همچنین قرآن بر گرایش به عفت‌ورزی تأکید نموده است: ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾؛ «و آنها که وسیله ازدواج ندارند، باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد...» (نور: ۳۳). همچنین از رفتارهای ناسالم جنسی، نهی نموده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾؛ «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است» (نور: ۳۰).

۶– ۷. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی، «فرایند یاری‌رسانی به متربی در آموزش و پرورش حقوق متقابل در روابط خانوادگی و اجتماعی، برقراری روابط سالم و رعایت حقوق اجتماعی است». (مصباح یزدی، ۱۴۰۱) این ساحت تربیتی، فرآیندی برای یاری‌رساندن به متربی در عرصه زندگی جمعی است. آموزش حقوق و تکالیف متقابل افراد در جامعه و خانواده، مهارت‌های ارتباطی و حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برقراری روابط سالم و سازنده با دیگران، رعایت حقوق اجتماعی و احترام به قوانین و هنجارهای جامعه، جامعه‌پذیر کردن متربی و آماده‌سازی او برای تعامل مثبت با دیگران و ایفای نقش مؤثر و فعال در جامعه، مهم‌ترین اهداف تربیت اجتماعی است.

قرآن کریم در ساحت تربیت اجتماعی، منشأ اجتماعی بودن زندگی بشر را الهی می‌داند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾؛ «ای مردم! ما شما را از

یک مرد و زن آفریدیم و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تـا یکـدیگر را بشناسـید...» (حجـرات: ۱۳). همچنین بر گرایش به وحدت و عدم تفرق و پراکندگی، امر کـرده اسـت: ﴿وَاعْتَصِـمُوا بِحَبْـلِ اللّـهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾؛ «و همگی به ریسمان خدا (*قرآن* و اسلام و هرگونـه وسـیله ارتبـاط دیگـر) چنگ زنید و پراکنده نشوید...» (آل عمران: ۱۰۳). *قرآن کریم* در رفتار اجتماعی نیز بـه تعـاون و همکاری در مسیر نیکی و تقوی، فرمان داده است: ﴿...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِـرِّ وَالتَّقْـوَى وَلَا تَعَـاوَنُوا عَلَـى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...﴾؛ «...و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعـاون کنیـد و (هرگـز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید...» (مائده: ۲).

۶– ۸. تربیت سیاسی

تربیت سیاسی، عبارتند از: «آموزش اصول روابط میـان حـاکم و مـردم و روابـط میـان حاکمـان کشورهای مختلف و پرورش حس تعهد نسبت به رویدادهای سیاسی ملی و بین‌المللی که موجب حضور در فعالیت‌های سیاسی کشور و آمادگی برای دفاع از استقلال کشور شود». (مصباح یزدی، ۱۴۰۱) این ساحت تربیتی، به آموزش اصول و قواعد حاکم بر روابط سیاسی، که شامل روابط بین حاکم و مـردم و نیـز روابـط بـین کشورهاسـت، مـی‌پـردازد. هـدف آن، پـرورش حـس تعهـد و مسئولیت‌پذیری نسبت به رویدادهای داخلی و بین‌المللی است و به‌دنبال ایجاد انگیزه برای حضور فعال و آگاهانه در عرصه فعالیت‌های سیاسی کشور است. تربیت سیاسی، آمـادگی بـرای دفـاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور را در متربی تقویت می‌کند. در تربیت سیاسی، سـخن از وظـایف انسان نسبت به ساخت جامعه و مناسبات نهادهای مدنی و نیز نسبت بـه تـاریخ بشـری و تمـدن آینده است.

در ساحت تربیت سیاسی، اصرار *قرآن* بر عدم اعتماد به ستمگران است: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّـذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَـرُونَ﴾؛ «و تکیه بر ظالمان نکنید کـه موجب می‌شود آتش، شما را فرو گیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید» (هود: ۱۱۳). *قرآن کریم* در بعد گرایشی تربیـت سیاسـی، بـر حـس تعهـد در

مشارکت در سرنوشت سیاسی، تأکید دارد: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...﴾؛ «و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می‌گیرد...» (شوری: ۳۸)، و در کنش‌های سیاسی، اطاعت امر ولیّ امر مسلمین را، تنها راه‌حل منازعات سیاسی می‌داند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را، و هرگاه در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید...» (نساء: ۵۹).

۶– ۹. تربیت اقتصادی

تربیت اقتصادی، «ناظر به آموزش چگونگی تدبیر درآمد زندگی و آماده کردن متربیان برای به عهده گرفتن یک شغل درآمدزا می‌باشد». (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰) محور اصلی در این ساحت تربیتی، آموزش مدیریت مالی و اقتصادی زندگی، چگونگی تدبیر و مدیریت درآمدها و هزینه‌ها به متربی است. بینش و کنش صحیح درباره اقتصاد، تولید، مصرف و تجارت را مطابق دستورات شرع، در متربی، ایجاد می‌کند و مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار و کسب روزی حلال را تقویت می‌کند و متربی را برای مشارکت در توسعه اقتصادی جامعه توانمند می‌سازد.

قرآن کریم، در بعد بینشی تربیت اقتصادی به مالکیت اموال و تدبیر در نگه داری و عدم اتلاف آن توجه دارد: ﴿وَلاَ تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...﴾؛ «و اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان ندهید...» (نساء: ۵). نگرش ابزاری به مال دنیا و امر به بخشش و احسان و نداشتن اندیشه فساد بر روی زمین، از مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ «و در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را جستجو کن، بهره‌ات را از دنیا فراموش نکن، و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و هرگز فساد در زمین منما که خدا مفسدان را دوست ندارد» (قصص: ۷۷).

همچنین رعایت اعتدال و میانه‌روی در بخشیدن اموال، بُعد رفتاری در تربیت اقتصادی است که خداوند به آن فرمان داده است: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾؛ «آنها کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند» (فرقان: ۶۷).

۶– ۱۰. تربیت هنری

ساحت تربیت هنری عبارتنداز: «ارتقای توانمندی‌های شناختی، گرایشی و رفتاری نسبت به هنر و پدیده‌های زیبا» (عالم‌زاده، ۱۴۰۳) و «ناظر به پرورش ذوق زیبایی‌شناختی، زیبایی‌دوستی، زیبایی‌آفرینی و قوه تخیل در متربی است» (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰). این ساحت تربیتی، به‌دنبال تقویت قوه تخیل و توانایی خلق آثار زیبا توسط متربی است. هدف آن پرورش و تقویت ذوق زیبایی‌شناختی و حس زیبایی‌دوستی در متربی به عنوان ابزاری برای رشد و تکامل ابعاد شناختی و عاطفی اوست.

خداوند در بعد بینشی در تربیت هنری، زیبایی را در تمام هستی جاری نموده است، منشأ آن را الهی می‌داند، خود را آراینده آسمان دنیا به زینت ستارگان معرفی کرده و بر توجه به زینت و زیبایی تأیید نموده است: ﴿إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ﴾؛ «ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان، تزئین کردیم» (صافات: ۶). خداوند در بعد گرایشی تربیت هنری، گرایش و تمایل به زینت‌هایی را که از جانب خدا برای بندگان قرار داد شده است، سفارش نموده است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...﴾؛ «بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟...» (اعراف: ۳۲). همچنین خداوند در بعد کنشی و رفتاری تربیتی هنری نیز به آراستگی هنگام حضور در مسجد فرمان داده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...﴾؛ «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید» (اعراف: ۳۱).

۷. نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده درباره ساحت‌های مختلف تربیت از دیدگاه *قرآن کریم* این نتیجه حاصل شد که *قرآن*، به همه ساحت‌های تربیت در ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری انسان توجه دارد. قرآن کریم در بعد بینشی تربیت اعتقادی و عبادی انسان، بر شناخت خدا درجایگاه تنها معبود، بندگی خدا به عنوان هدف خلقت، تعلیم حکمت به انسان به‌مثابه هدف بعثت تأکید دارد.

مهم‌ترین مؤلفه‌های گرایشی در ساحت‌های تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جسمانی، جنسی و هنری از دیدگاه *قرآن کریم* عبارتنداز: شناخت فطری انسان نسبت به خوبی‌ها و بدی‌ها، الهی بودن زندگی اجتماعی بشر، عدم اعتماد به ستمگران، تأیید مالکیت اموال، توجه به سلامت جسم، نهی از بی‌عفتی در ارتباط جنسی و جاری بودن زیبایی در تمام هستی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های قرآنی در بعد بینشی ساحت‌های تربیت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جسمانی، جنسی و هنری است. در بعد گرایشی، محبت شدید نسبت به خدا، انس انسان با خدا در عبادات و آرامش او، در پرتو یاد خدا، گرایش قلبی انسان به فضایل، توجه به صاحبان عقل در فهم بهتر مسائل، گرایش به وحدت و عدم تفرق، حس تعهد در مشارکت در سرنوشت، نگرش ابزاری به مال دنیا، نداشتن اندیشه فساد بر روی زمین، نهی از هرگونه بی‌توجهی به حفظ جان، گرایش به عفت ورزی در ارتباط جنسی و تمایل به استفاده از زینت‌هایی که از جانب خدا برای بندگان قرار داده شده است.

مهمترین مؤلفه‌های رفتاری در *قرآن* در ساحت‌های تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جسمانی، جنسی و هنری عبارتنداز: لزوم تجلی توحید در رفتار و عمل خالصانه برای خدا، انجام عبادات، تخلق به اخلاق فاضله، ترک رذائل، تحسین رفتار صاحبان عقل، امر به همکاری در مسیر نیکی و تقوی، اطاعت امر ولیّ امر مسلمین، نهی از اسراف و زیاده‌روی در خوردن و رفتارهای ناسالم جنسی و امر به آراستگی و زینت.

منابع

قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: ناصر، مکارم شیرازی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱. ابن‌فارس، احمد (۱۳۶۳). *معجم مقاییس اللغه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳). *تربیت فرزند بارویکرد فقهی*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). *فقه تربیتی*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۴. افتخاری، رجبعلی (۱۴۰۱). *وظایف کنشگران در تربیت عقلانی از منظر فقه*. رساله دکتری. جامعۀ المصطفی العالمیه.
۵. بناری، علی همت (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره بـه آن. نشـریه *پـژوهش‌هـای تربیت اسلامی*، ۱(۲)، ۱۶۵– ۱۹۲.
۶. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۴). *نظام تربیتی اسلام*. قم: نشر المصطفی.
۷. داودی، محمد.، و کارآمد، حسین (۱۴۰۰). *فلسفه تعلیم‌وتربیـت اسـلامی*. قـم: پژوهشـگاه حـوزه و دانشگاه.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۹. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲هق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
۱۰. عالم‌زاده نوری، محمـد (۱۴۰۳). *سـاحت‌هـای تربیـت*. مشـاهده شـده در سـایت سـتاد مـدارس مسجدمحور. ۶۲۶۴ https: //setad.org//
۱۱. فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰). *العین*. قم: هجرت.
۱۲. *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلـیم‌وتربیـت رسـمی عمـومی جمهـوری اسـلامی ایـران*. https://iranarze.ir/storage/uploads/2023/03
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱). *فلسفه تعلیم‌وتربیت اسلامی*. قم: مؤسسه امام خمینی.
۱۴. موسوی، سیده‌منصـوره.، انصـاریان، فهیمـه.، صـمدی، معصـومه.، و عباسـی سـروک، لطـف‌الله (۱۴۰۰). تحلیل ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سازنده عرصه تربیت دینی؛ براسـاس سـند تحـول بنیادین آموزش و پرورش. *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۷(۲۶)، ۸۱– ۹۷.